

## میزان حضور، روند رشد و نقش زنان در مجالس جهان در سال های

۱۹۹۸ - ۲۰۱۰

زهرة نوروزی\* فاطمه محمدی سيجانی\*\*

**چکیده:** میزان حضور زنان در پارلمان به عنوان اصلی ترین نماد مشارکت سیاسی زنان رفته رفته به یکی از شاخص های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورهای جهان مبدل شده است؛ حال باید دید که در این شرایط آیا میزان حضور و نقش زنان در مجالس جهان در دهه اخیر، افزایش یافته است؟ هدف در این تحقیق شناخت روند افزایش حضور زنان و میزان رشد آن و همچنین میزان نقش زنان در مجالس کشورهای جهان و ارائه ارزیابی در مورد آن است. نتیجه این ارزیابی می تواند نمایی از میزان مشارکت زنان در حیات سیاسی جهان ارائه کند. از این رو ابتدا میزان حضور زنان در مجالس جهان و روند رشد آن در یک دوره ۱۲ ساله براساس تقسیم بندی جغرافیایی مورد بررسی قرار گرفت؛ آن گاه میزان حضور زنان در مجالس جهان براساس قدمت دموکراسی و توسعه یافتگی بررسی گردید. همچنین نقش زنان در مجالس جهان عنوان دیگری است که مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. پژوهش حاضر از نوع پژوهش های اسنادی است و تحلیل اسناد به صورت کمی مدنظر قرار دارد. از این رو منبع داده ها (اطلاعات موجود در سایت IPU و سایت های مجالس مختلف) به صورت اعداد مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته اند. در نتیجه ملاحظه شد که تعداد زنان نماینده و همچنین نسبت حضور آنان در ۱۲ سال اخیر همواره رو به افزایش بوده است. همچنین رقابت سنگینی میان مجموعه های جغرافیایی در مورد افزایش میزان زنان در مجالس جریان دارد. در مجموع کشورهای توسعه یافته تر و همچنین برخوردار از قدمت در دموکراسی موقعیت برتری در این زمینه کسب کرده اند.

**کلید واژه ها:** پارلمان، حضور زنان، سرمایه اجتماعی، مشارکت سیاسی.

---

\* کارشناس ارشد مطالعات زنان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن [m.sijani@gmail.com](mailto:m.sijani@gmail.com)

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات خاورمیانه - دانشگاه آمریکایی بیروت (A.U.B.)

## مقدمه

حضور زنان به مفهوم تأثیرگذاری در صحنه‌های مختلف است. این حضور می‌تواند در عرصه‌های مختلف مورد توجه باشد: فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و البته خانواده. در این میان آنچه بیشتر محل چالش و اختلاف نظر بوده نحوه و میزان حضور زنان در عرصه سیاست است. در مقاطعی از تاریخ و در بسیاری از جوامع زنان حتی به عنوان شهروند به حساب نمی‌آمدند تا چه رسد به آنکه حضور ایشان مورد قبول باشد. در یونان باستان و جوامع عربی چنین بوده است. اما در ایران در اکثر دوره‌ها زنان حضوری گسترده در عرصه سیاست و دیگر عرصه‌ها داشته‌اند.

با ظهور فمینیسم از اواسط قرن ۱۹ که ابتدا به منظور برابری دستمزد زن و مرد شکل گرفت زنان در اروپا و آمریکا به نحو گسترده‌ای از این جنبش استقبال کرده و در راستای گسترش فعالیت زنان به حرکت در آمدند. عنوان این تلاش‌ها حق ستانی از جامعه مردان بود. رفته رفته فعالیت‌های زنان شکل سیاسی به خود گرفت (سروستانی، ۱۳۸۰: ۲۰). می‌توان گفت که هیچ انسانی با جایگاه و نقش زن در حیات اجتماعی مخالف نیست. در میان دوره‌های تاریخی می‌توان به دوره مدرسالاری یا مادر شاهی اشاره کرد؛ که طی آن زنان نقش بسیار مهم و اساسی در زندگی بشری ایفا کردند.

حتی پس از آن که در دوره پدرسالاری (قدرت) اداره جامعه به مردان منتقل شد، نقش زنان در چهارچوب توجه به خانواده و اداره اقتصاد خانواده همچنان اساسی و تعیین کننده باقی ماند. همچنین می‌توان به نقش زنان در مبارزات ملی اشاره کرد که بسیاری از ملت‌های تحت ستم علیه استعمارگران و یا مستبدان داخلی بدان همت گماردند. ولی متأسفانه در بسیاری از کشورها پاداش شایسته‌ای به این حضور داده نشد و پس از پایان دوره مبارزه، حقوق زنان از سوی مردان که شریک عادل آنان در زندگی باشند، مراعات نگردید.

اینک و در آغاز قرن بیست و یکم، دیگر زن‌ها نمی‌پذیرند که اسیر سنت‌های گذشته باقی بمانند و همچنان در گوشه منزل عزلت پیشه کنند. بلکه بدان چشم دوخته‌اند که شاید در جهت دستیابی به جایگاهی متناسب، به حقوق خود در حیات سیاسی و اجتماعی دست یابند. میثاق سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر کنوانسیون‌های جهانی صراحتاً از برابری حقوق زن و مرد سخن به میان آورده‌اند و این حق تثبیت شده در اسناد بین‌المللی، رفته رفته به مفهوم قابل تطبیق اصل شراکت زن و مرد در جنبه‌های مختلف حیات بشری

تطور یافته است. اما با این حال آمارهای موجود نشان از آن دارد که همچنان نقش زن در حیات اجتماعی و سیاسی بسیار محدود است و این محدودیت صرفاً به جوامع جهان سوم و یا کشورهای خاورمیانه محدود نمی شود.

اصل (شراکت) زن و مرد همچنین با دو موضوع دیگر یعنی "دموکراسی" و "رشد و توسعه" عجین گشته است. در جهان امروز دیگر نمی توان از رشد و توسعه بدون توجه جدی به دموکراسی سخن گفت و از سوی دیگر نمی توان از دموکراسی دم زد بی آنکه حضور فعالانه زنان در همه جنبه های حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حزبی و نظایر آن را شاهد باشیم. در این میان موضوع مشارکت سیاسی زنان بحث نویی در دموکراسی است که روند رو به رشدی را تجربه می کند.

### بیان مسئله

دموکراسی به روندی در جامعه بشری مبدل شده است که با گذر زمان سرعت فزاینده ای می یابد. البته لا جرم باید تاثیر شرایط بومی در آن مورد توجه قرار گیرد؛ اما این روند به هیچ وجه توقف پذیر نیست. هر گونه توقف از سوی هر جامعه ای به معنای عقب افتادن در یک حرکت سریع مشترک جهانی است. میزان موفقیت دموکراسی در هر جامعه با معیارهای مشخصی قابل ارزیابی است: میزان مشارکت مردم در تصمیم سازی، برگزاری انتخابات آزاد، چرخه آزاد نخبگان، آزادی بیان و در عین حال پایبندی به قانون از سوی افراد جامعه، و بالاخره امکان حضور شهروندان در حیات سیاسی که یکی از بارزترین نمودهای آن حضور زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه است. بدین ترتیب رفته رفته، میزان حضور زن در حیات سیاسی و مشارکت آن در فعالیت های سیاسی - اجتماعی به یکی از معیارهای مهم سنجش دموکراسی مبدل شده است.

اگرچه برخی جریان های سیاسی در ارائه این تلقی راه افراط در پیش گرفته اند و در مقابل گروهی نیز از همان ابتدا راه تفریط را رفته اند، اما در هر حال نمی توان از اهمیت این مساله به عنوان یکی از معیارهای سنجش دموکراسی غافل شد.

جامعه ای که زن در آن حق رأی ندارد و یا هنوز نمی تواند نامزد انتخابات شود یقیناً در روند رشد و توسعه اجتماعی بسیار عقب افتاده تلقی می شود. همچنین جامعه ای که میزان حضور

زنان در حیات سیاسی آن اعم از انتخابات و غیره و همچنین تاثیرگذاری آن در تصمیم سازی از نرم بالایی برخوردار است، یقیناً از نظر اجتماعی در موقعیت مناسب تری قرار دارد. باید توجه داشت که پرداختن علمی به مسئله حضور زنان در حیات سیاسی در جوامع مختلف و تلاش برای تقویت آن به طور بنیادین با جنبش فمینیستی در جهان متفاوت است. جنبش فمینیستی با تاکید غیرطبیعی بر حقوق زنان در حقیقت درصدد است تا از راه های هنجار شکن موقعیت برتری برای زنان مهیا کند، حال آنکه پرداختن علمی به مسأله حضور زن بر این اساس صورت می پذیرد که بدون مشارکت جدی زنان در تعیین سرنوشت جامعه خویش، نمی توان به جامعه ای آرام و بی دغدغه دست یافت که در مسیر رشد و توسعه شتابان به حرکت در می آید. در جهان امروز به هنگام مطالعه روند دموکراسی در کشورهای جهان و ارائه گزارش در مورد آن به میزان کیفیت حضور زنان در حیات سیاسی توجه ویژه ای مبذول می شود. متأسفانه در کشور ما به بسیاری از امور به طور انتزاعی نگریسته می شود. حال آنکه لا جرم روند تحولات جامعه خود را باید به عنوان یک بخش از جامعه جهانی در نظر بگیریم. هر چند که توجه به شرایط بومی اعم از فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی بسیار اساسی است. از این رو ارائه یک ارزیابی نسبتاً دقیق در مورد روند حضور زنان در مجالس قانونگذار جهان به عنوان یک شاخص که بیانگر میزان حضور زنان در حیات سیاسی جوامع مختلف است ضروری دیده شد، زیرا این شاخص در حقیقت می تواند معیار سنجش روند دموکراسی در جهان نیز تلقی شود. در این میان بررسی جوامع مختلف در چهارچوب جغرافیایی می تواند تصویر روشن تری از وضعیت زنان در جهان ارائه کند.

البته میزان حضور زنان در مجالس به عنوان اصلی ترین نماد مشارکت سیاسی زنان رفته رفته به یکی از شاخص های توسعه اجتماعی و سیاسی مبدل شده است؛ که از مفاهیم بنیادین سرمایه اجتماعی محسوب می شود. از آنجا که سرمایه اجتماعی وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های مختلف سیاسی است، می توان به ابعاد سرمایه اجتماعی یعنی مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی (همبستگی) و اعتماد اجتماعی اشاره کرد. حال با توجه به اهمیت مسئله اگر ما بتوانیم روند رشد را براساس تقسیم بندی های توسعه، قدمت دموکراسی و منطقه بندی جغرافیایی دریابیم و سپس جایگاه کشورها در این رده بندی را مورد توجه قرار دهیم آن گاه می توانیم با نگاه به گذشته اولاً چشم انداز آتی را به گونه ای دقیق تر به تصویر کشیم و ثانیاً با تحلیل چرایی رده بندی کشورها به راهکارهای مناسب در

جهت تغییر وضعیت موجود بیندیشیم. با توجه به آنچه بیان شد می‌توان پرسش اصلی را چنین مطرح ساخت:

- آیا میزان حضور و نقش زنان در مجالس جهان در دهه اخیر، افزایش یافته است؟

### نظام کوتا

روند مشارکت و حضور زنان در مراکز تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری سیاسی با دشواری‌های متعددی مواجه است که شاید سرعت رفع این دشواری‌ها و مرتفع ساختن موانع با ضرورت حضور سریع‌تر آنان همخوانی نداشته باشد. مجموعه متراکمی از موانع روانی، باورهای عمومی و حتی عقب‌نگاه داشته شدن زنان شرایطی را فراهم آورده است که نمی‌توان در انتظار مرتفع شدن آنها نشست. از این رو برای فراهم آمدن فرصتی سریع برای حضور متناسب زنان در مجالس، مدتی است نظام کوتا<sup>۱</sup> به عنوان یک ایده در جهان مطرح شده است.

این ایده از زمان ارایه تا کنون توانسته است جای خود را در میان کشورهای متعدد باز کند. براساس این طرح، زنان می‌توانند از سهمیه ویژه خود در انتخابات بهره‌گیرند. مثلاً ۲۵،۱۵،۱۰٪ و یا حتی ۵۰٪ از کل کرسی‌های مجلس به زنان اختصاص می‌یابد تا رقابت فقط میان کاندیداهای زن صورت پذیرد. در حال حاضر در کشورهای متعددی این نظام به اجرا در می‌آید. اما این گونه نیست که نظام کوتا با عدم مخالفت مواجه باشد. این ایده در بسیاری از کشورهای جهان با مخالفت جدی مواجه شده است. عمده‌ترین استدلال مخالفان کوتا چنین است:

- نظام کوتا در واقع یک نارسایی جسمی در اصل برابر میان زن و مرد در روند انتخاباتی به وجود می‌آورد. زیرا زنان علاوه بر برخورداری از حق برابر و توانایی حضور در رقابت با مردان در انتخابات، از حقی برتر برخوردار می‌شوند که همان داشتن درصد معینی از کرسی‌ها است.

- به صورت جزئی رأی بعضی از رأی‌دهندگان لغو و بی‌تاثیر می‌شود.

- فراگیر شدن نظام کوتا موجب می‌شود که دیگر قشرهای جامعه نظیر جوانان، معلمان، کارگران، و بازرگانان نیز تقاضای اختصاص سهمیه ویژه‌ای را بنمایند که در صورت پذیرش آنها عملاً روح و جوهر دموکراسی شدیداً آسیب می‌بیند.

- اصل پذیرش نظام کوتاه برای زنان بدین معناست که زنان با تکیه بر توانایی‌های ذاتی خود نمی‌توانند در یک رقابت آزاد و عادلانه در برابر مردان ظاهر شوند و باید با ارفاق و اعطای حق ویژه به آنان حضور متناسب ایشان، در مجالس را تضمین کرد.

- نظام کوتاه گاه موجب می‌شود که شخصیت‌های توانمند صرفاً به دلیل مرد بودن از دستیابی به عضویت مجلس بازمانند.

### مبانی نظری

این پژوهش گرچه در تلاش است تا به‌طور عینی میزان حضور و نقش زنان در مجالس جهان را مورد کنکاش قرار دهد، لیکن مشارکت سیاسی عنوانی جامع است که می‌تواند موضوع پژوهش حاضر و دیگر پژوهش‌های مشابه را در برگیرد. از این رو باید مبانی نظری مشارکت سیاسی مورد بررسی قرار گیرد. در عین حال اصلی‌ترین وسیله دستیابی به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سرمایه اجتماعی است. در بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی است که می‌توان به مشارکت اجتماعی، انسجام اجتماعی و اعتماد اجتماعی پرداخت. بررسی مبانی نظری سرمایه‌های اجتماعی نیز لاجرم می‌باید مورد توجه قرار می‌گرفت که در این تحقیق ابتدا به آن پرداخته شده است.

اما ورود واژه سرمایه اجتماعی به حوزه علوم اجتماعی تازه‌گی دارد. نظریه‌پردازانی همچون پیربورديو، جیمز کلمن، رابرت پوتنام و فرانسویس فوکویاما تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند.

- پیربورديو جامعه‌شناس فرانسوی (۱۹۸۵) نظریه بسط یافته‌ای از سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند: «سرمایه فرایندی است که ذاتاً با قدرت پیوند دارد». در واقع استنباط بورديو از سرمایه به‌گونه‌ای است که او تقریباً سرمایه و قدرت را مترادف با هم می‌داند.

جیمز کلمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۶) در خصوص این واژه چنین می‌گوید:

«سرمایه اجتماعی شامل یک چهارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد در درون این چهارچوب می‌گردد به‌گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به یک هدف معین هزینه بیشتری را به افراد آن جامعه تحمیل کند».

---

1. Coleman

- فرانسویس فوکویاما<sup>۱</sup> (۱۹۹۰) معتقد است: «سرمایه اجتماعی را می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف کرد مشروط بر آنکه این هنجارها شامل ارزش‌های مثبت مانند صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشد.» (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۷۰).

اما سرمایه اجتماعی؛ در واقع وسیله‌ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم‌های مختلف سیاسی است. در میان ابعاد سرمایه اجتماعی می‌توان به «مشارکت اجتماعی»، «انسجام اجتماعی» و «اعتماد اجتماعی» اشاره کرد. در ایجاد سرمایه اجتماعی برای توسعه سیاسی هر کشور چند عامل نقش اساسی دارند: «آگاهی»، «اعتماد» و «مشارکت».

برای واژه مشارکت سیاسی تعریف‌های متعدد و متنوعی ارائه شده است که برخی از آنها چنین است:

- مایرون واینر<sup>۲</sup> «مشارکت سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا غیر سازمان یافته، دوره‌ای یا مستمر، شامل روش‌های مشروع یا نامشروع برای انتخاب رهبران و سیاست‌ها و امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است. (واینر و هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۱۴۰ به نقل از یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۸).

- لستر میلبراث<sup>۳</sup>: مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت و حمایت از نظامی سیاسی است؛ مشارکت سیاسی در حقیقت رفتاری است که با قصد تأثیرگذاری بر نتایج سیاسی صورت می‌گیرد (چابکی، ۱۳۸۱: ۱۱۰).

- هانتینگتون<sup>۴</sup> از صاحب‌نظران معروف علم سیاست مشارکت سیاسی را به معنی فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری دولت می‌داند به نظر او اشکال مشارکت سیاسی عبارت اند از: فعالیت در انتخابات، اعمال نفوذ، فعالیت سازمانی و عضویت در گروه‌ها و نفوذ احزاب، ایجاد رابطه فردی با مقامات قدرتمند، خشونت و استفاده از زور برای تأثیر گذاشتن بر تصمیمات دولت (هانتینگتون، ۱۹۹۱: ۵۱).

- 
1. Fukoyama
  2. Weiner
  3. Lester Milbrath
  4. Huntington

البته مشارکت سیاسی انواع و سطوح مختلفی دارد و این امر تحت تأثیر شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، باورهای مذهبی و پیشینه تاریخی قرار می‌گیرد... مشارکت می‌تواند مسالمت‌آمیز یا غیر مسالمت‌آمیز، مستقیم یا غیر مستقیم، در سطح توده یا نخبگان، رسمی یا غیررسمی، خودجوش یا برانگیخته باشد (وثوقی، ۱۳۸۳: ۱۲۶).

### سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی

سرمایه اجتماعی سرمایه‌ای است که زیربنای توسعه فرهنگی، اقتصادی، سیاسی یک کشور است. سرمایه اجتماعی ابزاری برای رسیدن به توسعه سیاسی است که به تعدیل مناسبات اجتماعی منجر می‌شود. انسجام، همبستگی و همچنین اطمینان در جامعه موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی می‌گردد. مهم‌ترین سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی، مشارکت مردم در صحنه‌های گوناگون سیاسی است. این سرمایه اجتماعی - یعنی حمایت مردم از دولت در صحنه‌های مختلف - یکی از مصادیق بارز موفقیت در توسعه سیاسی هر کشور است. دسترسی به توسعه همه‌جانبه و پایدار، بدون مشارکت وسیع مردمی امکان‌پذیر نیست.

### نوع و روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش‌های اسنادی است. منظور از سند، ماده یا شیئی ای است که پدیده‌های اجتماعی بر روی آنها اثراتی نهاده اند و برای انسان‌ها دارای معنا و مفهوم خاصی می‌باشند (ازکیا، ۱۳۸۲: ۳۷۸).

تحلیل اسناد در پژوهش اسنادی را می‌توان هم به صورت کمی (تحلیل محتوا، تحلیل آماری داده‌های آماری و غیره) و هم به صورت کیفی (تحلیل گفتمان، انتقادی و غیره) و هم به هر دو صورت، مد نظر قرار داد (میرزایی، ۱۳۸۸: ۱۲۸).

در این تحقیق منبع داده‌ها (اطلاعات موجود در سایت IPU و سایت‌ها مجالس مختلف) به صورت کمی و در دو بخش کاملاً مجزا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. در یک بخش میزان حضور زنان در مجالس جهان و روند رشد آن به عنوان نمادی از مشارکت سیاسی آنان بررسی می‌شود و در بخش دیگر میزان نقش زنان در مجالس جهان مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش نخست کوشیده‌ایم کشورها را براساس مناطق جغرافیایی، سابقه دموکراسی و توسعه یافتگی طبقه‌بندی کنیم. در بعد جغرافیایی منطقه بندی قاره ای مبنای کار بوده است.



البته خاورمیانه جدای از آفریقا و آسیا مورد بررسی قرار گرفته است. ضمناً قاره آمریکا در دو بخش شمالی و جنوبی مورد مطالعه بوده است. اروپای شمالی هم واحد جداگانه ای در نظر گرفته شده است.

در مورد سابقه دمکراسی فقط قدمت برخورداری از مجلس مد نظر قرار گرفت. پس از مطالعه طولانی به نظر رسید که برای مطالعه دقیق تر شاید تقسیم کشورها به چهار دوره زمانی مناسب باشد. گروه اول کشورهایی هستند که پیش از تاسیس اتحادیه مجالس جهانی -۱۸۸۹- دارای مجلس بوده اند و گروه دوم کشورهایی هستند که پس از آن تاریخ و پیش از جنگ نخست جهانی دارای مجلس شده اند و گروه سوم کشورهایی هستند که در فاصله زمانی میان دو جنگ جهانی مجلس دار شده اند و بالاخره گروه چهارم کشورهایی هستند که پس از جنگ دوم جهانی به مجلس رسیده اند.

در بخش دوم تحقیق پژوهشگر در صدد بوده است میزان نقش زنان عضو پارلمان‌ها را بررسی کند، پس از مطالعه نهایتاً به این نتیجه رسیده است که از هر منطقه جغرافیایی تعدادی از کشورها را به صورت تصادفی انتخاب کند؛ البته امکان دسترسی به اطلاعات در مورد مجلس آن کشور مدنظر بوده است. سپس تعداد زنان صاحب منصب در مجالس اعم از رئیس، معاون رئیس، رئیس کمیسیون و معاون کمیسیون محاسبه شد و براساس یک فرمول قراردادی هر یک از این مجالس امتیاز خاصی را کسب کردند.

در بارم بندی و اعطای نمره، تصمیم گرفته شد تا به نحو ذیل عمل شود:

رئیس مجلس: ۵۰؛

معاون رئیس مجلس: ۵۰؛

رئیس کمیسیون: تعداد رؤسایان ضرب در عدد ۳۰ تقسیم بر تعداد کمیسیون‌ها (در مورد کشورهایی که فاقد پست معاون کمیسیون هستند به جای ۳۰ مضر ۴۰ مبنای محاسبه خواهد بود)؛

معاون کمیسیون: تعداد معاونین ضرب در عدد ۲۰ تقسیم بر تعداد کمیسیون‌ها؛

ضمناً مخبر کمیسیون نیز همچون معاون کمیسیون در نظر گرفته شده است. زیرا عملاً از موقعیتی برابر با معاون برخوردار است و یا در برخی موارد به جای معاون فقط مخبر کمیسیون انجام وظیفه می کند.

### جمعیت مورد مطالعه

براساس اطلاعات به دست آمده از پایگاه اطلاعاتی [www.ipu.org](http://www.ipu.org) آمار کشورهای عضو اتحادیه جهانی مجالس (IPU) ۱۵۶ کشور می باشد. در بخش نخست پژوهش مجموعاً ۱۱۵ کشور در تقسیم بندی‌های مختلف یعنی مناطق جغرافیایی، سابقه دار بودن در دموکراسی و توسعه یافته گی مورد بررسی قرار گرفته اند. روند رشد حضور زنان در مجالس جهان نیز در یک روند ۱۲ ساله یعنی از ژانویه سال ۱۹۹۸ تا ژانویه سال ۲۰۱۰ مورد توجه قرار می گیرد. در بخش دوم میزان نقش زنان در مجالس ۴۷ کشور جهان بر اساس روشی که پیش از این ارائه شد مورد بررسی قرار گرفته است.

### واحد تحلیل محتوا

پارلمان در کشورهای مختلف تعریف متفاوتی دارد. برخی کشورها دارای دو مجلس یعنی شورا و سنا هستند که با یکدیگر امر قانون گذاری و نظارت بر امور دولتی را صورت می دهند. اما تعداد دیگری از کشورها فقط یک مجلس دارند (شورا) که به تنهایی کار پارلمان را انجام می دهد. در پژوهش حاضر واحد تحلیل یا واحد سنجش ما، مجالس شورا و یا معادل آن در کشورهای مختلف است.

### ابزار جمع آوری اطلاعات

روش و تکنیک مورد استفاده برای گردآوری اطلاعات، با استفاده از اینترنت به شرح زیر است:  
- منبع اطلاعات پایگاه اطلاعاتی اتحادیه جهانی مجالس (ipu) با آدرس [www.ipu.org](http://www.ipu.org) است.

- دیگر منبع مهم این تحقیق مراجعه به پایگاه اینترنتی همه مجالس بوده است که فهرست آن در قسمت منابع به طور کامل در ذیل منابع قرار دارد.

افزون بر تقسیم بندی جغرافیایی، به نظر رسید که موضوع سابقه دموکراسی بتواند عنوان خوبی برای تقسیم بندی مجالس جهان باشد که طی آن بتوان میزان حضور زنان را با قدمت دموکراسی سنجید. پس از انجام مطالعاتی در این زمینه در یافتیم که شاید مناسب ترین و ممکن ترین راه مبنا قرار دادن تاریخ تأسیس مجالس باشد.

- در این تحقیق همچنین کوشیده‌ایم که کشورها را براساس توسعه یافتگی نیز تقسیم‌بندی کنیم. این تقسیم‌بندی به ما کمک می‌کند تا دریابیم توسعه یافتگی تا چه حد بر میزان مشارکت زنان تأثیر داشته است البته در تقسیم‌بندی توسعه یافتگی با دشواری مواجه هستیم. زیرا اگر فقط تولید ناخالص ملی مبنای تقسیم‌بندی باشد آنگاه کشورهای تولیدکننده نفت و گاز مانند عربستان و قطر در میان توسعه یافته گان قرار می‌گیرند. بنابراین باید صنعتی بودن کشور در کنار تولید ناخالص ملی مد نظر قرار گیرد که در این تقسیم‌بندی به آن توجه شده است.

### پرسش های تحقیق:

- در این پژوهش تلاش شده است تا پرسش های ذیل پاسخ در خور بیابند:
- ۱ آیا نسبت حضور زنان در مجالس کشورهای جهان تفاوت فاحشی با یکدیگر دارد یا از تناسب نسبی برخوردار است؟
  - ۲ آیا روند افزایش حضور زنان در مجالس کشورهای جهان یکسان است؟
  - ۳ آیا نسبت حضور زنان با توسعه یافتگی ارتباط دارد؟
  - ۴ آیا قدمت دموکراسی تأثیر قابل توجهی در میزان حضور زنان در مجالس دارد؟
  - ۵ چه نسبت از سمت های کلیدی و حساس مجالس در اختیار زنان قرار دارد و وضعیت مناطق مختلف جغرافیایی در این مورد چگونه است؟

### روایی و اعتبار

برای تعیین اعتبار این پژوهش اولاً تلاش شد تا طبق ضوابط مالموس و قابل سنجش عمل شود و در ثانی کوشیده ام تا حد امکان و بضاعت از استدلال منطقی بهره گیریم. در این تحقیق برای پایایی از معرف‌های متعدد نظیر تقسیم‌بندی براساس مناطق جغرافیایی، توسعه یافتگی و قدمت دموکراسی استفاده شد و با تکرار چندین باره نتایج کوشیده ایم تا پایایی و ثبات نتیجه تحقیق را به طور نسبی تضمین کنیم.

### محدودیت ها و مشکلات پژوهش

برای ارائه تصویر صحیح از میزان نقش زنان در پارلمان‌های جهان که در حقیقت نمایی از میزان حضور آنان در صحنه سیاست و کشورداری است، مطالعه لازم آغاز شد. ابتدا تصور می‌شد که می‌توان با ارائه اطلاعاتی پیرامون سطح تحصیلات و تناسب کاری آنان در مجالس به یک جمع بندی مناسب رسید. اما رفته رفته محدودیت‌های موجود در این زمینه نمایان گردید که ابتدا باید به آنها اشاره شود:

۱ بسیاری از سایت‌ها هنوز فقط اطلاعات خود را به زبان بومی منتشر می‌سازند و باید برای مراجعه به آنها مترجم خاص داشت. امری که نه برای اینجانب و نه برای هر دانشجوی دیگر، به آسانی میسر نخواهد بود. به عنوان نمونه می‌توان به سایت اطلاعاتی مجالس چین، یونان و یا برخی کشورهای آفریقایی اشاره داشت. برخی سایت‌ها نیز گرچه بخشی با عنوان انگلیسی دارند، اما فقط اندکی از اطلاعات را به آن زبان ارائه می‌کنند. از آن جمله می‌توان به افغانستان و تایلند و بسیاری از کشورهای آفریقایی اشاره نمود. در این میان باید به سایت‌های مجالس آمریکای لاتین نیز اشاره داشت که بسیاری از آنان فقط اطلاعات خود را به زبان اسپانیولی ارائه می‌کنند.

۲ البته در میان سایت‌هایی که امکان مراجعه به آنها و بهره برداری به وسیله زبان انگلیسی و عربی مقدور بود، بسیاری از آنها فقط به ارائه اطلاعات عمومی بسنده کرده اند و نمی‌توان به اطلاعات شخصی همه نمایندگان زن دسترسی داشت.

۳ در مرحله بعد که تصمیم گرفته شد فقط سنجش تعداد زنان در مجالس مبنا قرار گیرد با این دشواری مواجه بودیم که در برخی کشورها نام مسئولین مجالس بدون ذکر کلمه خانم، آقا و دوشیزه همراه بود. لذا می‌باید از طریق توجه به نام نماینده مورد نظر، جنسیت وی تعیین می‌شد. این امر در مورد کشورهای خاورمیانه و اروپا میسر بود، اما وقتی نوبت به کشورهای همچون چین، کره و بسیاری از کشورهای امریکای لاتین و آفریقا می‌رسید، با توجه به ناآشنایی با اسامی این کشورها کار بسیار دشوار می‌شود.

۴ ملاحظه‌های اخلاقی: در این پژوهش امانتداری اصل اساسی کار ما بوده است. گاه اتفاق می‌افتاد که اکثر اطلاعات یک مجلس به دست می‌آمد لیکن برای اجتناب از دقیق نبودن اندکی از اطلاعات از محاسبه آن صرف نظر می‌شد. ضمناً از هرگونه پیش داوری و برخورد جزمی با مسئله خودداری شده است تا به هیچ وجه در مسیر تحقیق تأثیر نگذارد. همچنین تلاش شده

است به گونه‌ای عمل شود که نامی از نمایندگان محترم برده نشده و به امور شخصی آنان نیز پرداخته نشود.

### یافته های تحقیق

با مطالعه ای که در مورد ۱۱۵ مجلس جهان صورت گرفت و آمار حضور زنان در مجالس این کشورها براساس تقسیم‌بندی جغرافیایی، وضعیت توسعه یافتگی و قدمت دموکراسی دسته‌بندی و تحلیل شد و ملاحظه گردید که تعداد زنان نماینده همواره رو به افزایش است. البته این افزایش شامل درصد حضور آنان نیز می‌گردد. هرچند که نرخ رشد نسبت حضور آنان از میزان افزایش تعداد زنان عضو مجالس در مراحل عقب افتاده است. همچنین رقابت سنگینی میان مجموعه های جغرافیایی در مورد افزایش میزان زنان در مجالس جریان دارد. کشورهای توسعه یافته تر در مجموع و همچنین برخوردار از قدمت در دموکراسی موقعیت برتری در این زمینه کسب کرده اند. شرح این نتایج می‌تواند تصویر روشن تری ارائه کند.

در سال های گذشته نسبت حضور زنان از رشد نسبتاً ثابتی برخوردار بوده است به گونه ای که در فاصله سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲، ۲/۳٪ رشد داشته است. اما این رشد با اندکی کاهش از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۶ فقط ۲ درصد افزایش داشته است. اما در فاصله سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ رشد ۲/۵ درصدی را تجربه کرد.

همچنین تعداد زنان نیز از رشد مشابهی برخوردار بوده است. در فاصله سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۲، ۹۰۲ نفر به تعداد آنها افزوده شد که رشد درصدی آن ۲/۳٪ بود. اما در فاصله سال های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ گرچه تعداد آنان ۱۱۵۰ نفر افزایش داشت، اما نسبت آن ۳٪ کاهش یافت تا نرخ رشد ۲٪ را برای خود ثبت کند. این بدان معناست که تعداد اعضای مجالس افزایش داشته است. اما در ۴ ساله اخیر گرچه تعداد آنها ۱۱۱۲ نیز افزایش داشت، اما رشد آنها نرخ ۲/۵ درصدی را برای خود ثبت کرد.

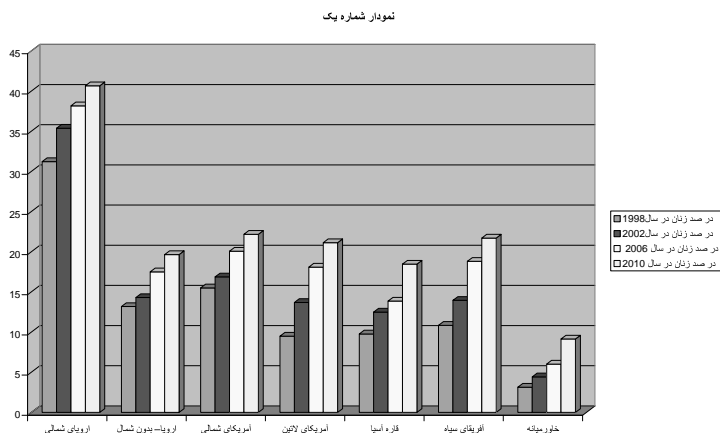
در بسیاری از کشورها به رغم افزایش تعداد زنان عضو مجالس، اما رده جهانی آنها نسبت به دوره یا دوره های قبل کاهش یافته است. این امر نشان می‌دهد که روند افزایش مشارکت زنان در مجلس به یک پدیده جهانی مبدل شده است و تقریباً همه کشورهای جهان می‌کوشند تا از میزان مشارکت بالاتر بانوان بهره مند شوند.

با توجه به آمارهایی که در جدول های مربوطه ارائه گردیده و در مقایسه این مقاطع چهار

ساله در می‌یابیم که ترتیب کشورها و ترتیب آنان در رده بندی جهانی، نسبت حضور زنان دچار تغییرات جدی شده است. اگر از کشورهای اروپای شمالی صرف نظر کنیم، در کشورهای پر سابقه در دموکراسی همچون فرانسه، انگلیس، امریکا، اسپانیا، آلمان، روسیه، هند و... روند رشد حضور زنان ثابت اما از نرخ محدودی برخوردار بوده است. با این حال رده جهانی آنان نزولی مستمر را تجربه می‌کند. زیرا کشورهای تازه از راه رسیده ای وجود دارند که عمدتاً به طور مصنوعی نسبت زنان عضو مجلس را افزایش داده اند. اینک دیگر رواندای آفریقایی که فقط ۸۰ نفر در مجلس آن عضو هستند و احتمالاً از مجموع چند میلیارد جمعیت جهان فقط چند میلیون نفر نام آن را شنیده باشند، توانسته است نسبت حضور زنان را به مرز ۶۰٪ برساند و در ۶ سال اخیر رده یک جهانی را اشغال کند. نمونه هایی از این قبیل بسیار هستند. بر این اساس رده بندی جهانی به تنهایی نمی‌تواند بیانگر میزان مشارکت حقیقی زنان در کشورهای مختلف باشد، هر چند که همچنان به عنوان یکی از استنادات اصلی این تحقیق مورد توجه خواهد بود.

جدول ۱: توزیع حضور زنان و روند رشد آنان در مجالس جهان برحسب مناطق جغرافیایی در سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰

نام منطقه	درصد زنان در سال ۱۹۹۸	درصد زنان در سال ۲۰۰۲	درصد زنان در سال ۲۰۰۶	درصد زنان در سال ۲۰۱۰
اروپای شمالی	۳۱/۲۲	۳۵/۳۹	۳۸/۱۷	۴۰/۶۷
اروپا- بدون شمال	۱۳/۱۸	۱۴/۳	۱۷/۵	۱۹/۶۵
آمریکای شمالی	۱۵/۵	۱۶/۸۷	۲۰/۰۷	۲۲/۱۷
آمریکای لاتین	۹/۵	۱۳/۶۹	۱۸/۰۹	۲۱/۱۳
قاره آسیا	۹/۷۷	۱۲/۴۹	۱۳/۸۶	۱۸/۴۶
آفریقای سیاه	۱۰/۸۴	۱۳/۹۵	۱۸/۸۱	۲۱/۷۱
خاورمیانه	۶/۰۱	۴/۴۳	۶/۰۱	۹/۱۴



نمودار ۱: توزیع حضور زنان و روند رشد آن در مجالس جهان برحسب مناطق جغرافیایی در سال های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۰

بررسی تقسیم بندی جغرافیایی جدول ۱ نشان می دهد که:

- ۱- تنها اروپای شمالی است که نسبت ۴۰/۶۷ درصدی را برای خود به ثبت رسانیده است. این در حالی است که اروپا - بدون شمال رقم ۱۹/۶۵٪ را برای خود ثبت کرده است.
- ۲- آفریقای سیاه با ۲۱.۷۱٪ رده پایینی از جدول را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که با استفاده از قانون کوتا اینک در بسیاری از کشورهای آفریقایی موقعیت ویژه ای برای زنان جهت ورود به مجلس فراهم آمده است.
- ۳- خاورمیانه گرچه برخی کشورهای آن نظیر عراق از نظام کوتا بهره می گیرند، اما در قعر جدول قرار می گیرد تا نشان دهد روند رشد و توسعه اجتماعی در این منطقه هنوز به مرحله ای از تکامل خود نرسیده است که بتواند موقعیت بالایی برای زنان در مشارکت سیاسی فراهم آورد. در این پژوهش دریافتیم که توسعه یافتگی ارتباط قابل توجهی با میزان حضور زنان در مجالس دارد.
- ۴- اما مقایسه آمار مقاطع زمانی مورد بررسی نشان می دهد که در ۱۲ سال اخیر اروپای شمالی به طور متوسط سالانه ۳.۱۵٪ به میزان زنان عضو مجالس خود افزوده است. تا از ۳۱.۲۲٪ در سال ۱۹۹۸ به رقم ۴۰.۶۷٪ در سال ۲۰۱۰ برسد. این روند در کل قاره اروپا نیز وجود داشته است.

۵- بیشترین رشد در این میان از آن خاورمیانه است که خود را از ۳.۱۴٪ به ۹.۱۴٪ رسانید. آفریقا نیز نسبت زنان عضو مجلس را از ۱۰/۸۴٪ به ۲۱.۷۱٪ رسانید.

۶- جالب توجه است که در قاره اروپا منهای اروپای شمالی، کشورهای مهمی همچون فرانسه، آلمان، انگلیس و اسپانیا قرار دارند. شاید فرانسه نخستین کشوری بود که با تصویب منشور حقوق بشر از مشارکت زنان، در حیات سیاسی سخن به میان آورد. اما ملاحظه می‌فرمایید که نسبت حضور زنان در اروپا- بدون شمال، پس از رشد تاریخی خود در ۱۲ سال اخیر همچنان در مرز ۲۰٪ متوقف است.

۷- جدا کردن قاره آمریکا به ۲ بخش آمریکای شمالی و آمریکای لاتین نتوانست فاصله زیادی میان آنها بوجود آورد. گرچه نسبت حضور زنان در آمریکای شمالی اندکی بیش از نسبت حضور آنان در آمریکای لاتین است، اما نرخ رشد در آمریکای شمالی به طور متوسط ۲.۲۲ درصد است، در حالی که این نرخ در آمریکای لاتین ۳.۶۰ درصد می باشد.

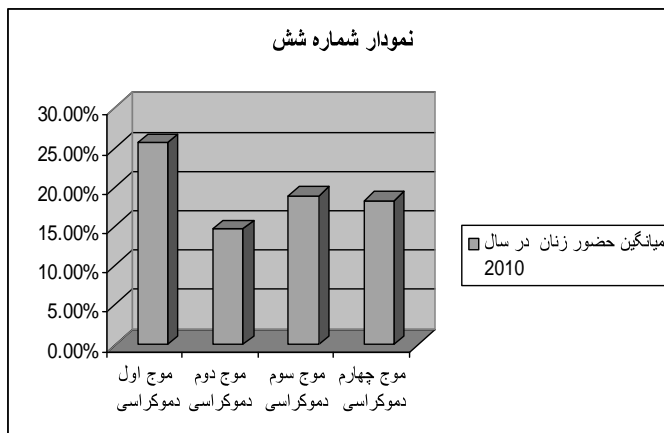
### قدمت دموکراسی و حضور زنان در مجالس

همان گونه که اشاره شد در بررسی حضور زنان در مجالس با در نظر گرفتن قدمت زمانی دموکراسی ناگزیر تاریخ تأسیس مجالس مبنای کار قرار گرفت. آن گاه کشورهای جهان به چهار گروه تقسیم شدند. مقاطع چهارگانه اصطلاحاً چهار موج دموکراسی نامیده شدند و آمار حضور زنان در این مقاطع زمانی مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۲: توزیع مجموع و میانگین حضور زنان در مجالس برحسب دموکراسی در سال ۲۰۱۰

میانگین حضور زنان (سال ۲۰۱۰)	مجموع در صد حضور (سال ۲۰۱۰)	تعداد کشورها	قدمت دموکراسی
٪۲۵/۶۶	۵۶۴/۴	۲۲	موج اول دموکراسی
٪۱۴/۸۰	۱۳۲/۳	۹	موج دوم دموکراسی
٪۱۸/۸۹	۵۸۵/۵	۳۱	موج سوم دموکراسی
٪۱۸/۲۷	۹۶۸/۶	۵۳	موج چهارم دموکراسی
٪۱۹/۵۷	۲۲۵۰/۹	۱۱۵	جمع





نمودار ۲: توزیع مجموع و میانگین درصد حضور زنان در مجالس برحسب دموکراسی در سال ۲۰۱۰

و با توجه به اینکه میانگین درصد حضور زنان در مجالس جهان در سال ۲۰۱۰ عدد تقریبی ۱۹ درصد است، مقایسه آمارهای ارائه شده در جدول شماره ۲ نشان می دهد که:

۱- کشورهای برخوردار از قدمت در دموکراسی (موج اول) که سابقه مجلس در آنان بیش از یک قرن و اندی است از میانگین بالاتری (۲۵.۶۶٪) در مورد حضور زنان در مجالس برخوردار هستند.

۲- در حالی که کشورهای موج دوم دموکراسی در جهان از میانگین کمتری نسبت به دیگر گروه ها برخوردار هستند، میانگین ۱۴.۷٪ برای کشورهای موج دوم ضمن آن که از میانگین جهانی پائین تر است فاصله نسبتاً قابل توجهی با میانگین ۲۵.۶۶٪ موج اول دموکراسی دارد. شاید در مقام تحلیل بتوان به شرایط فرهنگی اکثر این کشورها توجه کرد که در واقع در نهاد خود نوعی ستیز با غرب را نهادینه کرده است؛ در عین حال برخی از این کشورها به رغم صنعتی شدن، مانند ژاپن هنوز ساختارهای سنتی جامعه خود را تا حد زیادی دست ناخورده نگاه داشته اند. همین چالش میان سنت و مدرنیته است که نوعی تضاد فرهنگی را در این کشورها به نمایش گذاشته است. از یک سو تلاش می شود تا خود را برخوردار از دموکراسی و تاریخ دار در این زمینه معرفی کنند اما از سوی دیگر چنبره ساختارهای سنتی و ضرورت پایبندی به ارزش ها موجب می شود تا در این زمینه حرکت کند تری را تجربه کنند.

۳ - کشورهای "تازه دموکرات" که از نظر روانی از نو پا بودن در این زمینه رنج می برند، تلاش می کنند تا به هر وسیله موقعیت خود را در جدول جایگاه زنان در مجالس بالا ببرند و ادعای حاکمیت دموکراسی در کشورهای خود را به اثبات رسانند. این گونه است که کشورهایی از موج چهارم دموکراسی توانسته اند به همراه موج سومی ها در این روند از موج دومی ها پیشی گیرند.

### توسعه یافتگی و میزان حضور زنان در مجالس

در سومین مرحله، کشورهای جهان بر اساس توسعه یافتگی با توجه به شاخص های توسعه که فعلاً صرفاً در پارامترهای اقتصادی یعنی صنعتی شدن و برخورداری از رشد و توسعه اقتصادی خلاصه می شود، به دو گروه توسعه یافته و در حال توسعه تقسیم شدند. بررسی های به عمل آمده در این بخش نشان می دهد که:

۱- در میان کشورهای توسعه یافته فقط دو کشور وجود دارند که درصد حضور زنان در پارلمان آنها تک رقمی  $\frac{۸}{۸}$ ٪ در برزیل و  $\frac{۹}{۹}$ ٪ مالزی است. البته هر دو کشور، تازه توسعه یافته تلقی می شوند.

۲- توسعه یافته ترین کشورها نظیر آمریکا، فرانسه، انگلستان و روسیه نیز از درصدی پائین تری نسبت به دیگر کشورهای توسعه یافته برخوردارند و نسبت حضور زنان در پارلمان آنها از ۲۰ درصد تجاوز نمی کند. این در حالی است که همچنان میانگین بالاترین نسبت حضور زنان در مجالس جهان از آن کشورهای توسعه یافته است.

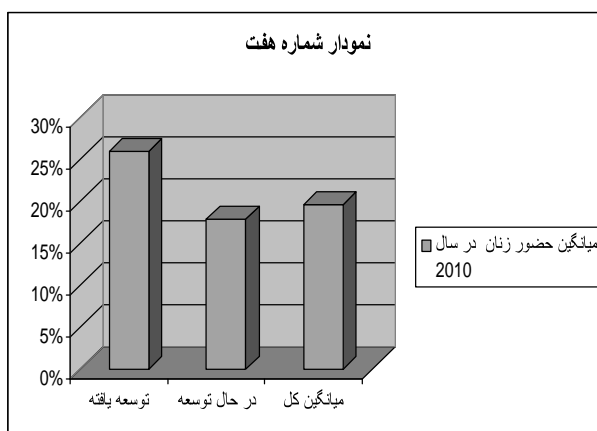
۳- کسب رده نخست توسط یک کشور آفریقایی نوپا در دموکراسی و یا تلاش بسیار شدید و بعضاً غیرطبیعی برخی کشورهای آفریقایی هنوز نتوانسته است شرایط را به گونه ای در آورد که کشورهای صنعتی به صورت اجتماعی از آنان عقب بیافتند هر چند که این روند احتمالاً در آینده ای نه چندان دور تغییر قابل توجهی را در وضعیت حضور زنان در پارلمان و همچنین ابعاد مختلف مشارکت سیاسی رقم خواهد زد.

۴- جالب توجه است که در میان ۲۲ کشور موج اول دموکراسی ۱۵ کشور توسعه یافته قرار دارند. همچنین در میان ۲۴ کشور توسعه یافته، ۱۵ کشور موج اولی هستند. در اینجا موضوع ارتباط میان توسعه یافتگی و قدمت دموکراسی خودنمایی می کند. حال این پرسش مطرح می شود که آیا توسعه یافتگی مقدمه توسعه اجتماعی و مشارکت هرچه بیشتر سیاسی است یا توسعه سیاسی منجر به توسعه یافتگی خواهد شد. به نظر می رسد نمی توان پاسخ روشنی برای

این پرسش یافت، زیرا برخی از کشورهای دارای قدمت در دموکراسی، نتوانسته اند مراحل رشد و توسعه اقتصادی را طی کنند. به عنوان نمونه می‌توان به یونان و مجارستان اشاره داشت همچنین برخی کشورهای دارای قدمت در دموکراسی در شرایطی مراحل توسعه اقتصادی را طی کردند که از نظامی متمرکز و غیردموکراتیک برخوردار بوده اند، نظیر شوروی سابق (روسیه) و لهستان. برخی دیگر نیز مانند چین در پرتو نظام غیر دموکراتیک مراحل توسعه اقتصادی را طی کرده اند. البته وجود برخی کشورهای تازه دموکرات نظیر چین، برزیل، آفریقای جنوبی، مالزی و کره جنوبی در میان کشورهای توسعه یافته نیز دارای معنای خاصی است. با این همه نمی توان وجود ارتباط قابل توجه میان توسعه یافتگی اقتصادی و سیاسی را نفی کرد.

جدول (۳) توزیع میزان حضور زنان در مجالس بر حسب توسعه یافتگی در سال ۲۰۱۰

وضعیت توسعه یافتگی	تعداد کشورها	مجموع درصد حضور زنان در سال ۲۰۱۰	میانگین حضور زنان در سال ۲۰۱۰
توسعه یافته	۲۴	۶۲۴/۲۰	۲۶٪
در حال توسعه	۹۱	۱۶۲۶/۷۰	۱۷/۸۷٪
جمع	۱۱۵	۲۲۵۰/۹	۱۹/۵۷٪



نمودار ۳: توزیع میزان حضور زنان در مجالس بر حسب توسعه یافتگی در سال ۲۰۱۰

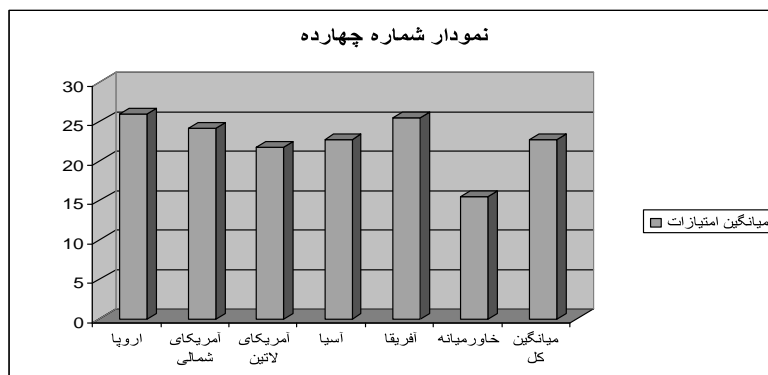
### میزان نقش زنان در مجالس جهان

شاید دشوارترین بخش کار ارزیابی موقعیت و نقش زنان در مجالس بود. با توجه به محدودیت‌های تحقیق، فقط مناصب اشغال شده توسط زنان عضو مجلس مورد بررسی قرار گرفت و براساس یک سیستم قراردادی به هر یک از ۴۷ کشور مورد مطالعه امتیازدهی شد. آن‌گاه نتایج کسب شده در تقسیم بندی جغرافیایی با یکدیگر مقایسه شد. به جدول ذیل که خلاصه تحقیق به عمل آمده است توجه کنید:

جدول ۴: مقایسه میانگین امتیازات میزان نقش زنان در مجالس جهان بر حسب تقسیم بندی

#### جغرافیایی

میانگین امتیازات	مجموع امتیازات	تعداد کشورها	منطقه جغرافیایی
۲۵.۹۶	۳۶۳.۳۳	۱۴	اروپا
۲۴.۱۸	۷۲.۵۴	۳	آمریکای شمالی
۲۱.۷۸	۱۳۰.۶۶	۶	آمریکای لاتین
۲۲.۶۸	۱۸۱.۳۸	۸	آسیا
۲۵.۵۳	۱۷۸.۶۹	۷	آفریقا
۱۵.۵۱	۱۳۹.۵۳	۹	خاورمیانه
۲۲.۶۹	۱۰۶۶.۱۳	۴۷	جمع کل



نمودار ۴: مقایسه میانگین امتیازات مجالس جهان (میزان نقش زنان) بر حسب تقسیم بندی جغرافیایی

### بحث و نتیجه گیری

- با توجه به یافته های پژوهش و درنگی عمیق به آمارهای موجود، نتایج زیر حاصل می شود:
- ۱- کشورهای اروپایی میانگین ۲۵/۹۵ امتیاز را از آن خود کردند تا در صدر جدول قرار گیرند.
  - ۲- خاورمیانه با کسب میانگین ۱۵/۵۱ امتیاز در قعر جدول قرار می گیرد.
  - ۳- کشورهای آفریقایی که تلاش دارند به جهانیان نشان دهند در مسیر رشد و توسعه اجتماعی بسیار جلو افتاده اند، به هر نحوی که شده زنان را در ویتترین سمت های مجلسی قرار داده اند تا به امتیازی همپای اروپا دست بیابند.
  - ۴- میانگین امتیازات امریکای شمالی (۲۴/۱۸) و امریکای لاتین (۲۱/۷۸) تفاوت معناداری از خود نشان نمی دهد.
  - ۵- اما در مورد آسیا نیز باید گفت، میزان بالای نقش زنان در دو کشور هند و پاکستان موجب می شود که میانگین امتیازات آن همتراز امریکای لاتین قرار گیرد. حال آن که در دیگر کشورهای آسیایی زنان نقش قابل توجهی در مجالس ندارند.
  - ۶- وجود ۷ رییس مجلس زن و ۷ معاون مجلس در میان ۴۷ کشوری که مورد بررسی قرار گرفته اند نشان می دهد که حضور مؤثر زنان در مجالس جهان به یک رویکرد مبدل شده است. این در حالی است که در گذشته نه چندان دور چنین امری حقیقتاً دست نیافتنی بود. ناگفته نماند که مجالس دیگری همچون آلبانی و گامبیا و... نیز از رییس زن برخوردارند که برخی دلایل فنی نظیر کامل نشدن اطلاعات دیگر مانع از آن شد که در این تحقیق به آنها پرداخته شود. هر چند که بررسی اجمالی امتیازات کسب شده نشان می دهد به رغم همه تلاش ها، اما همچنان تأثیر زنان در مجالس جهان با موقعیت مطلوب فاصله زیادی دارد. این وضعیت به طور کلی در همه مناطق جهان به چشم می خورد.
  - ۷- در برخی کشورها مانند هند و پاکستان، عدد حاصل شده در مورد میزان نقش زنان در مجالس بسیار بالا است. به گونه ای که بیانگر نقش بالای ایشان در مجلس است. در حالی که میزان حضور ایشان در مجالس به نحو قابل توجهی کمتر از آن است.
  - حال آن که در کشوری همچون رواندا این دو میزان با هم همخوانی دارند و خیلی نزدیک به یکدیگر نشان می دهند. اما به طور کلی میانگین امتیازات تأثیر زنان در تقسیم بندی های جغرافیایی تفاوت چندانی با هم ندارند.
  - ۸- شاید جالب ترین نکته در این مطالعه، قرار گرفتن رواندا در صدر جدول باشد. لازم به یادآوری

است که رواندا به دلیل استفاده از نظام کوتا و همچنین مجموعه اقداماتی که برای حضور هر چه بیشتر بانوان در مجلس انجام داده است، در سال های اخیر به دلیل برخورداری از بیشترین نسبت حضور زنان در مجلس، همواره در صدر فهرست کشورهای جهان قرار داشته است. نتیجه این پژوهش در مورد نقش زنان در مجالس که طی آن رواندا ۷۲ امتیاز کسب کرد و بالاتر از همه کشورهای جهان قرار گرفت می تواند بیانگر درستی روش تحقیق و ارائه نتیجه است.

### پیشنهادها

با در نظر گرفتن محتوای این پژوهش به نظر می رسد:

- ۱- عوامل مؤثر بر میزان حضور و نقش زنان در حیات پارلمانی، موضوع بسیار مهمی است که می تواند توسط یکی از پژوهشگران محترم مورد توجه قرار گیرد.
- ۲- شاید ضرورت پرداختن به این موضوع با رویکردی داخلی نیز ضروری باشد. به ویژه آن که متأسفانه به نظر می رسد زنان ایرانی عضو مجلس از موقعیت شایسته و تأثیرگذاری برخوردار نیستند.
- ۳- توانمندی بانوان، یگانه وسیله ای است که آنان را به موقعیت مطلوب در حیات اجتماعی و سیاسی خواهد رساند. به نظر می رسد سطح بالای دانش آموختگی زنان ایرانی زمینه بسیار مناسبی برای ایشان فراهم آورده است. زنان ایرانی می توانند با تکیه بر این توانایی، در جهت ارتقای دیگر توانایی های لازم، جایگاه در خور خود را استیفا کنند. بدیهی است اعتماد به نفس، لازمه نخست این روند است. زن ایرانی باید به این باور برسد که می تواند در عرصه اجتماعی و سیاسی حضوری مؤثر داشته باشد.

### منابع فارسی

- از کیا، م. و علیرضا، د. آ. (۱۳۸۲). **روش های کار برای تحقیق**، تهران: انتشارات کیهان.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). **سرمایه اجتماعی (اعتماد، دموکراسی و توسعه)**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.
- چابکی، ا. ال. (۱۳۸۱). **نقش عوامل روان شناختی در مشارکت سیاسی زنان**، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۱۹.

- حیب زاده، ف. (۱۳۸۲). جامعه شناسی بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا. سروستانی، م. ر. (۱۳۸۰). فمینیسم، مقاله، آفتاب نیوز.
- طاعتی، د. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر عوامل جامعه پذیری سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد پژوهش در علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.
- فیلیپس، ج. (۱۳۸۵). اسطوره سرمایه اجتماعی در توسعه جامعه، ترجمه امیر نصرت روحانی، فصلنامه اقتصادی - سیاسی، سایت آفتاب.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- میرزایی، خ. (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش نامه نویسی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- واینر، م. و ساموئل، ه. (۱۳۷۹). درک توسعه سیاسی، ترجمه و منتشر شده از سوی پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ساموئل، ه. (۱۳۷۰). سازمان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- هدایتی زاده، ن. (۱۳۷۸). مشارکت سیاسی در ایران معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی باقرالعلوم.
- وثوقی، م. و عبدالرسول، ه. (۱۳۸۳). روستاییان و مشارکت سیاسی در ایران، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۲۶.
- یوسفی، م. ر. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد شوراهای اسلامی (مطالعه موردی روستاهای کندوله شهرستان صحنه استان کرمانشاه)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

منابع انگلیسی

<http://www.IPU.org/>  
<http://www.WORLDBANK.org/>  
<http://www.wikipedia.org/>